

Traditional Dyeing in the Historical Village of Jeshvaghan

Morteza Salemi Ghamsari *

Researcher of social history of Iran and
Instructor of history, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran.

Abstract

Based on the evidences and documents left from ancient Iran, the art of dyeing and carpet weaving has been common in Iran since the past, and in the contemporary period, one of the most important centers of carpet weaving and dyeing in Iran is Isfahan province and Nain city. Nain carpet is very famous, because it is one of the brightest manifestations of the use of natural and traditional colors, and it owes a large part of its fame to this quality. Dyeing in this area is done with natural and traditional colors, which is slightly different from other carpet weaving centers that have traditional dyeing, and despite some chemical dyes that are used as an auxiliary, natural color are still dominant in the area. In this article, the traditional dyeing in the historical village of Jeshvaqan, which is located 40 km from Nain, is discussed. Until about 50 years ago, this village had 12 active traditional dyeing units and the main fame of this village was due to its dyeing units, but now with the closure of some workshops, there are 6 dyeing workshops in this village that one of them is half closed. This article has been done in the field. This craft requires more attention from provincial and regional authorities.

Keywords: Indigenous Knowledge, Traditional Dyeing, Jeshvaghan Village, Iran, Carpet.


Corresponding Author: salemimr@gmail.com

How to Cite: Salemi Ghamsari, M. (2022). Traditional Dyeing in the Historical Village of Jeshvaqan, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 9(18), 295-323.



گر نداری دانش ترکیب رنگ
بین گل‌ها زشت یا زیبا مکن
(حضرت مولانا جلال الدین)

رنگری سنتی در روستای تاریخی جشوقان

مرتضی سالمی قمصری *  پژوهشگر تاریخ اجتماعی و مدرس تاریخ دانشگاه علامه طباطبائی.

چکیده

بر اساس شواهد و اسناد برجای مانده از ایران باستان، هنر رنگریزی و قالی‌بافی از گذشته‌های دور در ایران رایج بوده است و در دوره معاصر یکی از مهم‌ترین مراکز قالی‌بافی و رنگریزی ایران، استان اصفهان و شهر نائین بوده است. قالی نائین از شهرت بسیاری برخوردار است، زیرا از درخشان‌ترین مظاهر کاربرد رنگ‌های طبیعی و سنتی است و سهم بزرگی از شهرت خویش را مدیون این کیفیت است. رنگریزی در این منطقه با رنگ‌های طبیعی و سنتی انجام می‌گیرد که دارای اختلاف اندکی با سایر مراکز قالی‌بافی که رنگریزی‌های سنتی دارند، می‌باشد و با وجود برخی رنگ‌های شیمیایی که به صورت کمکی مصرف می‌شود هنوز رنگ‌های طبیعی در منطقه غالب است. در این مقاله به رنگریزی سنتی در روستای تاریخی جشوقان که در ۴۰ کیلومتری نائین قرار دارد پرداخته شده است. تا حدود ۵۰ سال پیش این روستا دارای چندین واحد فعال رنگریزی سنتی بود و عمده شهرت این روستا به دلیل وجود واحدهای رنگریزی آن بود، اما در حال حاضر تنها ۶ کارگاه رنگریزی در این روستا وجود دارد که ۵ کارگاه دایر و فعال بوده و ۱ کارگاه نیمه تعطیل و رو به تعطیلی بود. این مقاله به صورت میدانی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژه‌های کلیدی: دانش بومی، رنگریزی سنتی، روستای جشوقان، ایران، قالی.

مقدمه و طرح مسئله

از کهن‌ترین روزگاران، توجه انسان به رنگ از مهم‌ترین مسائل زندگی و فکری بشر بوده است. چرا که انسان از زمان به کارگیری رنگ بر پیکره و اندام خویش و دیگر ادوات و وسایل زندگی متوجه شد که می‌تواند از طریق رنگ‌ها جان دوباره‌ای به اطراف خود ببخشد و برای رسیدن به این اهداف با تعمق و کنکاش و بررسی عمیق، هر روزه یافته‌های ذهنی و فکری خود را یادداشت می‌نمود.

تاریخ رنگرزی به‌طور دقیق مشخص نیست ولی «مرتضی راوندی» عقیده دارد انسان‌های اولیه «پس از تهیه لباس، از خاک‌های رنگین یا عصاره گیاهان و میوه‌ها موادی به دست آوردند و جامه‌ها را با آن رنگ کردند و به این ترتیب لباس رنگی مخصوصی برای فرمانروایان درست شد و هنر رنگرزی نیز در خدمت بشر قرار گرفت.» نساجی و بافندگی در هر منطقه نشان از وجود الیاف خودرنگ و یا رنگ شده دارد و در هر جا اثری از نساجی باشد رنگرزی هم انجام می‌شده است.

عقیده دانشمندان بر این است که: «شناخت انسان از رنگ حداقل به سه تا چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد. شاید انسان‌های نخستین هنگام غارنشینی و استفاده از میوه‌ها و گیاهان به رنگ بعضی از میوه‌های وحشی - همچون آلبالو و شاه‌توت - پی برده و از آن برای رنگ کردن نقش و تصویر جانوران موردعلاقه یا دیوار محل سکونت و بدن خود استفاده کرده باشند.»

«سومری‌ها در ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در آشور ساکن شدند. یکی از لوحه‌های سفالی کشف شده متعلق به آن دوره فهرستی از احتیاجات یک کدبانوی خانه، به لباس را در بردارد که نشان می‌دهد، پارچه‌های آن دوره به رنگ‌های گوناگون رنگ می‌شده است.» (<http://www.fatan.blogfa.com/category/3>)

به هر نوع رنگدار کردن کالای نساجی فاقد رنگ، رنگرزی گفته می‌شود. دقت شود که فرآیند رنگدار کردن در مورد هر شیئی قابل انجام دادن است، اما این گونه فرآیندها را رنگرزی نمی‌نامیم؛ مثلاً اگر دیوار یک ساختمان را رنگدار کنیم، از اصطلاح رنگ آمیزی

برای آن استفاده می‌کنیم. بنابراین در صورتی اصطلاح رنگرزی در محل صحیح خود بکار برده شده است که کالای فرآیند شده، کالای نساجی شامل: الیاف نخ، پارچه یا هر نوع منسوج دیگری باشد. لازم به یادآوری است که در فرآیند رنگرزی، رنگ حاصله باید دارای ثبات و دوام باشد، یعنی به راحتی از منسوج جدا نشود؛ در غیر این صورت به این فرآیند، رنگرزی اطلاق نمی‌شود، بلکه به آن لکه‌گذاری می‌گویند (کارآمد، ۱۳۹۲:۱۳۴).

پیشینه رنگرزی در ایران

تا پیش از ورود رنگ‌های صنعتی به ایران رنگرزان ایرانی با استفاده از رنگزاهای^۱ طبیعی به رنگ آمیزی الیاف و پارچه‌ها می‌پرداختند اما با ورود رنگ‌های مصنوع در اواسط قرن نوزدهم میلادی به ایران استفاده از موارد شیمیایی در رنگرزی، از کیفیت قالی، کمی کاسته شد اما با توجه به صرفه اقتصادی، استفاده از مواد مصنوع رونق پیدا کرد. استفاده از رنگ‌های جوهری در دوره قاجار آغاز شد و باینکه ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه از استفاده از آن جلوگیری کردند ولی کاربرد رنگرزی در بافت فرش ایرانی از بین نرفت؛ بلکه منتقل شد. یکی از ویژگی‌های هنر قالی ایرانی، شهرت جهانی آن است، و این مدیون انتقال سینه‌به‌سینه آموزه‌های این هنر به بافندگان و رنگرزان^۲ و هنرمندان در صنعت قالی‌بافی است. مواد طبیعی رنگ‌زا در الیاف فرش خود نقش ماندگار و اساسی در پایداری

۱- رنگزا: هر ماده‌ای که اولاً رنگی باشد و قادر باشد رنگ خود را به ماده‌های دیگر منتقل کند، رنگزا نامیده می‌شود. بنابراین ماده‌ای مانند آب رنگزا نیست، چون فاقد رنگ است و ماده‌های مانند خاک نیز رنگزا نیست، چون نمی‌تواند رنگ موجود در خود را به صورت ثابت و بادوام به ماده دیگری منتقل کند.

رنگزای طبیعی: هر رنگزایی که بتوان آن را مستقیماً از طبیعت به دست آورد، رنگزای طبیعی نامیده می‌شود. رنگزاهای طبیعی ممکن است گیاهی باشند؛ مانند روناس یا نیل، ممکن است حیوانی باشند؛ مانند حشره قرمز دانه یا حلزون ارغوانی، و ممکن است (کارآمد، ۱۳۹۲:۱۳۵).

۲- «در سال ۱۸۸۳ که شرکت زیگلر در سلطان آباد (اراک) و تبریز شعباتی دایر کرد... در... بروجرد صرف نظر از کارگاه‌های قالی‌بافی متعددی که داشت، مرکز صدور رنگ‌های گیاهی ایرانی به اروپا بود... (ورزی، ۱۳۵۵: ۸۳).

این صنعت به خود گرفته است. در ادامه به نقل قول‌هایی از اروپاییان درباره رنگری سنتی ایران اشاره خواهد شد.

سیسیل ادواردز کارشناس انگلیسی خبره فرش ایران درباره رنگری ایران می‌نویسد: «این مطلب که کشورهای مغرب زمین در حرفه رنگری روش‌های بسیار پیشرفته‌ای دارند... نباید این توهم را ایجاد کند که در صنعت قالبی‌ای ایران باید روش‌های مغرب زمینی به کار بسته شود. چه این کار بسیار رقت‌انگیز و اسفناک خواهد بود. نه فقط از این نظر که... رنگ‌های مغرب زمین برای این منظور مناسب نیست. بلکه از آن جهت که موادی که در ایران برای رنگری به کار می‌رود، توأم با مهارت‌ها و شگردهای قدیمی که به کار می‌بندند، عاملی است که از ساختمان و ترکیب کلی قالی ایران تفکیک‌ناپذیر است.» (ادواردز، ۱۳۶۸: ۳۵). وی در جای دیگر می‌نویسد: «زمان که به رنگ‌های ساده ایرانی نوعی درخشش و جلا و عمق و غنا می‌دهد. فرآورده‌های شیمیدانان مغرب زمین را تحقیر می‌کند.» (ادواردز، پیشین: ۳۸).

دکتر زکی محمدحسن در کتاب صنایع ایران نکته آموزنده‌ای برای مردم‌نگاران ایران دارد، وی می‌نویسد: ریشارد هکلوت دانشمند انگلیسی در قرن شانزدهم، در کتاب جهانگردی‌ها خطاب به یکی از بازرگانان هم‌میهن خود می‌نویسد: "در ایران فرش‌هایی از پشم زبر که در اطراف دارای رشته‌های نخ‌ی خواهی دید، این فرش‌ها بهترین انواع فرش عالم و رنگ‌های آن بهترین و زیباترین رنگ‌ها است، تو باید به این کشور بروی و به انواع وسایل باید متوسل شوی تا بتوانی از مردم آنجا طرز رنگ کردن قالی را یادگیری، زیرا این‌ها به طوری رنگ شده که باران و سرکه و شراب در رنگشان تأثیر نمی‌کند و چون تو این علم را از آنها آموختی و به اسرار آن دست‌یافتی خواهی توانست در رنگ کردن قماش آن را به کاربری و به دوام آن اطمینان داشته باشی... البته در ضمن باید از رنگ‌های مایع و وسایل رنگری و بهای آنها آگاه شوی...". (زکی، ۱۳۲۰: ۱۵۲).

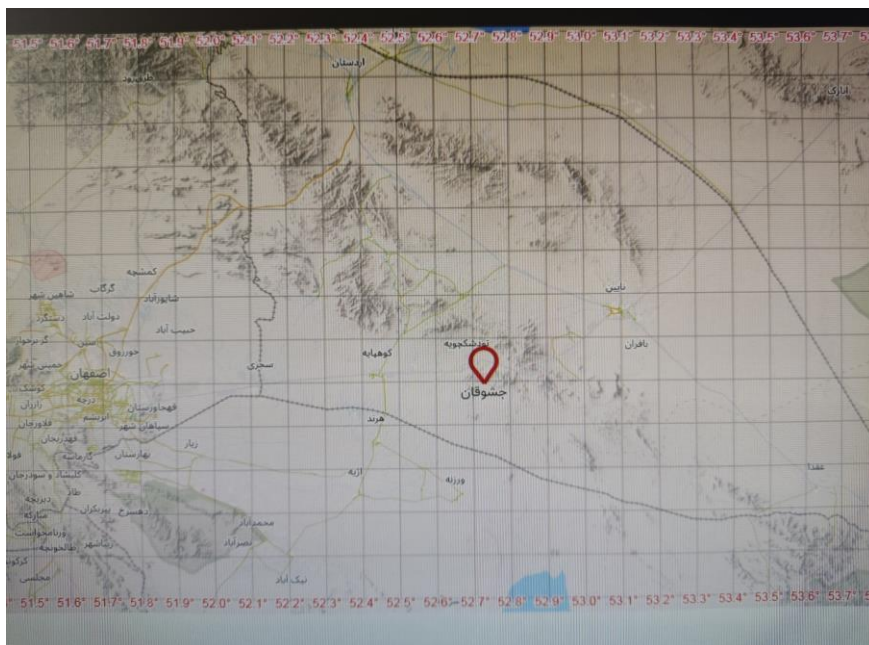
دانش بومی

دانش بومی به مجموعه باورها، ارزش‌ها، ابزارها، روش‌ها و تجربیات هر قوم گفته می‌شود که در اثر ارتباط آن قوم با محیط پیرامون پدید می‌آید. دانش بومی به تدریج و در طول سالیان دراز پدید آمده و سینه‌به‌سینه و به شیوه‌های گوناگون از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. دانش بومی بر اساس مقتضیات و شرایط خاص یک کشور شکل گرفته و منفک از فرهنگ و تمدن آن کشور نیست. دانش بومی قابل دسترس، ارزان، کارآمد، کل‌نگر، شفاهی، پویا، زمان آزموده و سازگار با محیط و طبیعت بوده و قرین با فرهنگ هر منطقه تعریف می‌شود.

ما نیازمند شناسایی و کشف مجدد آگاهی‌های فرهنگی و تکنولوژیک از نظام‌های بومی کشاورزی، صنعت، خانه‌سازی، آبیاری و بهداشت و داروسازی و غیره ... با توجه به مقتضیات بومی و محلی هستیم که بطور طبیعی، خود جوش و مبتنی بر نیازهای ملی - محلی شکل گرفته‌اند. ما نیاز به شناسایی و بازکشف راهکارها و شیوه‌هایی داریم که حاصل خرد جمعی مردم این کهن بوم و بر در طی قرون و اعصار متمادی بوده است در این اثناء نقش انسان به عنوان مولد واقعی این دانش و تکنولوژی، با تمام تنوع دانش، فن آوری و ابزار، غیر قابل انکار می‌باشد. مرتضی فرهادی که در معرفی این حوزه از چهار دهه گذشته به شکلی عملی و نظری نقش داشته است، می‌نویسد: «اگر در حال حاضر بتوان فرهنگ شفاهی ایران را در هفتصد جلد جمع آوری کرد، در پنجاه سال آینده حتی هفتاد جلد را هم نمی‌توان در این رابطه جمع آوری کرد. اما کجاست آن خیل عاشقان متخصص و کار آزموده در این کشور، که حداقل هر کدام ده سال برنامه ریزی شده به چنین کار عظیمی دست بزنند» (سالمی، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

رنگری در جشوقان^۱

جشوقان روستایی است خشک و کویری که در شمال شهرستان ورزنه و در مختصات جغرافیائی ۳۲ درجه و ۴۱ دقیقه و ۲۹،۵۷ ثانیه شمالی و ۵۲ درجه و ۴۳ دقیقه و ۴۹،۸۳ درجه شرقی در فاصله ۹۰ کیلومتری از مرکز استان اصفهان قرار دارد. این روستا در ۵ کیلومتری از محور تودشک در راه ترانزیت اصفهان، بندر عباس قرار دارد. فاصله این روستا تا شهر نائین حدود ۴۰ کیلومتر است.



۱- روستای تاریخی جشوقان از توابع بخش کوهپایه، در ۱۰۰ کیلومتری شرق اصفهان با ارتفاع ۱۹۲۰ متر از سطح دریا واقع شده است. قدمت آن بیش از ۲۰۰۰ سال تاکنون به ثبت رسیده ولی غارهای مسکونی موجود در شرق روستا نشان دهنده قدمت بیشتر این روستا می باشد. طی بررسی های به عمل آمده جشوقان دارای ۴ گورستان بوده که در ۲ گورستان آن زرتشتی، یکی قسمتی مسلمان، قسمتی زرتشتی (بیش از ۵۰۰ سال نیز قدمت سنگ دارد) و دیگری مسلمان دفن شده اند. روستای جشوقان دارای ۴ مسجد بنام های وزیر- مسجد النبی- مسجد جامع (دلاورآقا) و مسجد آیت اله میرجلال الدین امیر می باشد که مسجد جامع (دلاورآقا) و مسجد النبی به ثبت آثار فرهنگی رسیده. مسجد وزیر قرن چهارم هجری ساخته شده، مسجدالنبی قرن ششم هجری و مسجد جامع (دلاورآقا) قرن دهم هجری که در عهد صفویان بازسازی شده. آیت اله میرجلال الدین امیر که یکی از مساجد به نام وی نام نهاده شده، جد سادات حکیم عراق و سادات بحر العلوم بروجرد (از جمله آیت الله العظمی بروجردی ره) می باشد و حیات آن به قرن دهم هجری برمی گردد.

روستای جشوقان بلحاظ کشاورزی محصول خاصی ندارد و از محصولات آن می‌توان از شلغم و انار نام برد. این روستا همان‌طور که از سر در مسجد جامع آن که متعلق به اواخر قرن دهم است، بر می‌آید در دوره صفویه محل زندگی گروه‌هایی از اشراف بوده که از آن جمله می‌توان به خاندان میر جلال الدین امیر اشاره کرد. امروزه جمعیت اصلی جشوقان تشکیل شده است از دو گروه سادات و عام؛ که ساداتها با نام خانوادگی بنی‌طبا شناخته می‌شوند. یکی از مشاغل مهم این روستا در گذشته رنگرزی سنتی بوده است



عکس ۱- نمایی کلی از روستای جشوقان. (نویسنده. مرداد ماه ۱۳۹۲)

پیشینه رنگری در جشوقان

حدود ۱۰۰ سال پیش دو مرد بنام‌های سیدمحمد رنگرز و سید مصطفی رنگرز در جشوقان مشغول بکار رنگری سنتی شدند. ایشان با استفاده از خمره که جنسش از سفال بود رنگری می کردند و علاوه بر رنگری پشم به رنگری کرباس و پارچه نیز اشتغال داشتند. سیدمحمد ۶ پسر داشت که همگی شان وارد این حرفه شدند زیرا در آن زمان فرش ایران جایگاه جهانی خود را در دست داشت و کارگاه‌های رنگری سنتی هم، با رونق بسیار خوبی به کار مشغول بودند. اما با ورود فرش ماشینی و الیاف با رنگ شیمیایی، کم کم این حرفه در جشوقان از رونق افتاد تا جایی که در نسل نوادگان سید محمد اکنون فقط یک نواده دختری و یک نواده پسری اش به رنگری سنتی اشتغال دارند. البته دو نواده سید موسی نیز با پدرشان به رنگری اشتغال دارند.

برخی از ابزارها و اصطلاحات محلی رنگری

ردیف	اصطلاح	تلفظ محلی	شرح
۱	کلاف	Kalaf	دو دسته نخ می شود یک کلاف
۲	دست زدن	dast zadan	دو دست را درون کلاف نخ کرده و بطرفین می کشیدند.
۲	بقچه	Boghche	هر ۱۰ کلاف می شود یک بقچه
۳	عدل	Adl	به بسته ۱۶ یا ۲۰ بقچه‌ای کلاف‌ها گویند.
۴	شاگردک	Shagerdak	به چوبی که با آن نخ‌های داخل پاتیل را هم می زنند.
۵	کلک	Kalak	محل و سکوی نصب پاتیل
۶	پاتیل	Patil	ظرفی (گلی، مسی و روحی) که نخ‌ها را داخل آن می ریختند.
۷	سنگ ترشی	Sange Torshi	ماده‌ای برای ثبات رنگ، رنگ‌های غیر گیاهی

اصطلاحات:

کلاف: ۲ دسته نخ می‌شود ۱ کلاف، که وزن آن حدود ۴۵۰ گرم است و هر ۱۰ کلاف می‌شود یک بقیچه.



عکس ۲- کلاف (نویسنده. مرداد ماه ۱۳۹۲).

بقیچه: واحد سنجش مقدار پشم در کارخانجات ریسندگی است که معادل حدود ۴/۵ کیلوگرم است. هر ۱۰ کلاف می‌شود یک بقیچه.



عکس ۳- بقیچه. (عکاس: نویسنده. مرداد ماه ۱۳۹۲)

عدل: به بسته ۱۶ بقچه‌ای یا ۲۰ بقچه‌ای کلاف‌ها، عدل می‌گویند.



عکس ۴- عدل. (نویسنده. مرداد ماه ۱۳۹۲)

دست زدن: دو دست را درون کلاف نخ کرده و بطرفین می‌کشیدند تا نخ‌ها افشون شده و از هم باز شدند تا رنگ پذیری بهتری داشته باشند. دست زدن از لکه شدن، دو رنگ شدن و چند رنگ شدن نخ‌ها جلوگیری می‌کرد.

شاگردک: به چوبی که با آن پاتیل را هم می‌زنند و نخ‌ها را در می‌آورند، شاگردک می‌گویند.



عکس ۵- شاگردک. (سید آیت بنی طباء. مرداد ماه ۱۳۹۲)

امیرحسین بنی طباء: جوانی که هم دانشجویست و هم در کارگاه رنگرزی پدر مشغول به کار است. کلک (kalak): به محل و سکویی که پاتیل روی آن نصب می‌شود کلک می‌گویند.



عکس ۶- کلک. (نویسنده. مرداد ماه ۱۳۹۲)

رنگری سنتی در روستای تاریخی جشوقان ، سالمی قمصری | ۳۱۳

پاتیل گلی: در گذشته از پاتیل گلی که به آن خمره می گفتند استفاده می کردند که فقط رنگ‌های نیلی- آبی باز- آبی آسمانی- آبی فیروزه ای و سرمه‌ای و مشکی در آن رنگ می شده؛ چون گلی بوده و نمی شده زیاد حرارت داد اندک اندک سایر رنگها را در دیگ مسی فرآوری می کردند. (سید حسین بنی طبا (سیدآیت) یادداشت ۱ تا ۳).

پاتیل مسی:



عکس ۷- پاتیل مسی. (نویسنده. مرداد ماه ۱۳۹۲)

دهانه: ۱ / ۲۵ سانتی متر وزن: ۹۰ کیلوگرم عمق: ۷۰ سانتی متر
گنجایش: ۱۸ کیلوگرم پشم

پاتیل روحی:



عکس ۸- پاتیل روحی. (نویسنده. مرداد ماه ۱۳۹۲)

دهانه ۱/۸۰ سانتی متر قطر بیرون: ۱۹۰ سانتی متر عمق: ۹۵ سانتی متر
وزن: ۷۵ کیلو گرم گنجایش: ۲۷ کیلو گرم پشم
از پاتیل روحی برای این که رنگ چرک نگیرد و پشم روشن نشان داده شود استفاده
می‌شود.
قارا: آب چکیده شده از ماست را که بجوشانیم پس از سفت شدن می‌شود قارا.
در حدود ۱۰۰ سال پیش از قارا که همان قره قوروت است استفاده می‌شده است. در
صورت نبود قارا از پوست لیموی آبگیری (ترش) استفاده می‌شده است.



عکس ۹- کوره و بشکه (عکاس: سید آیت بنی طباء. مرداد ماه ۱۳۹۲)

اسید جامد یا سنگ ترشی: برای دندانها^۱ رنگ، رنگ‌های غیر گیاهی استفاده می‌شود.
نیل: ماده‌ای گیاهی است که فراوری شیمیایی روی آن انجام می‌شود. نیل آلمانی
ثبات رنگ بالایی دارد.

هیدروسولفید: ماده‌ای شیمیایی است از ترکیب هیدر، نیل و سود سوزآور. از این
ترکیب آبی روشن، فیروزه‌ای، آسمانی و مشکی را می‌سازند (سیدحسین بنی طباء
(سیدهاشم) یادداشت ۱ تا ۴).

فرایند رنگرزی:

ابتدا دیگ را پر از آب نموده و سپس مشعل را روشن کرده و سپس شروع به باز کردن عدل‌های پشم، به صورت ۴ بقچه ۴ بقچه می‌کنند. به مرور زمان که آب به حدنصاب جوش رسید بحث رنگ آغاز می‌شود.^۱

در گذشته که حجم کار زیاد نبود ابتدا کرم رنگ می‌کردیم، پس از آن خاکی باز، سپس خاکی سیر و پس از آن قهوه‌ای یا عنابی. در آبی که کرم رنگ زده بودیم با افزودن اندکی روناس و پوست گردو رنگ خاکی باز آماده می‌کردیم. سپس می‌شود با افزودن اندکی روناس و پوست گردو به پس مانده آب دیگ، رنگ خاکی سیر را بدست آورد. باید یادآوری کرد که از زاج سفید در رنگ کرم و خاکی به عنوان دندان‌رنگ یا ثبات آن استفاده می‌شود.

پس از رنگ خاکی سیر می‌توان در همان دیگ، با افزودن روناس و پوست گردو (در گذشته) و یا اکنون با جوهر قهوه‌ای و مشک؛ می‌توان رنگ قهوه‌ای را بدست آورد. البته امروزه بیشتر از جوهر استفاده می‌شود.

سپس می‌توان با آب مانده دیگ، رنگ عنابی را بدست آورد. در گذشته برای ساخت رنگ عنابی بیشتر از روناس سود می‌بردند اما امروزه بیشتر از جوهر قرمز استفاده می‌شود. برای این رنگ‌های جوهری حتماً باید از اسید بعنوان نگهدارنده استفاده شود. البته در گذشته برای این کار از قارا یا سنگ‌ترشی که حالت اسیدی داشت استفاده می‌شده.

الیاف رنگ شده پس از زمان جوش توسط چوب دستی یا همان دستک روی تخته ریخته می‌شوند و بصورت منظم یکی یکی جدا شده و داخل یک حوضچه آب سرد شسته شده و روی چوبهای مخصوص از پیش آماده شده آویزان می‌شوند تا خشک شوند.

۲- ظرفیت نفت کوره تا ۴۰ سال پیش ۲۰ تا ۴۰ لیتر بوده اما به مرور زمان این ظرفیت افزایش یافته است. در گذشته برای حرارت از کوره و تلمبه شبیه قیرگونی کاران استفاده می‌شده و پس از آن از پمپ باد استفاده می‌شده اما هم‌اکنون از گاز لوله‌کشی استفاده می‌شود.

رنگری سنتی در روستای تاریخی جشوقان ، سالمی قمصری | ۳۱۷

در گذشته که امکانات کم بود روزی ۳۰ کیلو می شد پشم رنگ زد. اما اکنون با وجود امکانات جدید می شود روزی ۴۰۰ تا ۶۰۰ کیلو پشم رنگ زد (سیدحسین بنی طباء (سیدهاشم) یادداشت ۵ تا ۱۰).



عکس ۱۰-تخته (تختیچی^۱): وسیله حمل نخهای رنگ شده.

(عکاس: سید آیت بنی طباء. مرداد ماه ۱۳۹۲)

۱- در گویش محلی به انتهای برخی از واژه ها "چی" افزوده می شود. گاهی به آخر نام افراد نیز "چی" افزوده می شود.



عکس ۱۱- مخزن آتش که با گاز شهری کار می‌کند. (نویسنده. مرداد ماه ۱۳۹۲)



عکس ۱۲- سلابه: یا پایه که در بالای دیگ قرار می‌گیرد که نخ‌های رنگ شده را روی آن قرار می‌دهند. (نویسنده. مرداد ماه ۱۳۹۲)



عکس ۱۳- دم و لوله کشی گاز شهری. (سید آیت بنی طباء. مرداد ماه ۱۳۹۲)



عکس ۱۴- نمایی از سکو یا میز کار و وسایل آن مانند ترازو و سرتاس... (نویسنده. مرداد ماه ۱۳۹۲)



عکس ۱۵- مواد شیمیایی مورد استفاده. (سید آیت بنی طباء. مرداد ماه ۱۳۹۲)



عکس ۱۶- پوست گردوی خشک شده. (نویسنده. مرداد ماه ۱۳۹۲)



عکس ۱۷- نمایی از درون کارگاه و طاق ضریبی آن. (نویسنده. مرداد ماه ۱۳۹۲)



عکس ۱۸- دونمونه الک درشت و ریز. (نویسنده. مرداد ماه ۱۳۹۲)



عکس ۱۹- نویسنده مقاله و مالک کارگاه جناب سید محمد بنی طباء (سید موسی)
(سید آیت بنی طباء. مرداد ماه ۱۳۹۲)



عکس ۲۰- نویسنده و مالک کارگاهی دیگر. جناب سیدحسین بنی طباء (سید آیت)
(سید آیت بنی طباء. مرداد ماه ۱۳۹۲)



عکس ۲۱-دستگاه خشک کن. (سید آیت بنی طباء. مرداد ماه ۱۳۹۲)



عکس ۲۲-نمای بیرونی کارگاه. (نویسنده. مرداد ماه ۱۳۹۲)

ترکیب انواع رنگ:

۱- رنگ خاکی باز (روشن)

زاج سپید: برای شفاف بودن و ثابت بودن رنگ استفاده می‌شود.

روناس و پوست گردو رنگ پس می‌دهند.

برای سیر و روشن شدن رنگ ترکیب روناس و پوست گردو را تغییر می‌دهند. این

رنگ نیاز به ۲۰ دقیقه جوشیدن دارد.

برای ۱۸ کیلو بار حدود ۵۰۰ لیتر آب در پاتیل می‌ریزیم، سپس ۵۰ گرم روناس و

۲/۵ کیلو گرم زاج و حدود ۱۵۰ گرم پوست گردو برای رنگ کردن نخ خارجی استفاده

می‌شود. نخ ایرانی نیاز به پوست گردو ندارد چون اگر بزیم رنگ تیره می‌شود (سید محمد

بنی طباء (سیدموسی) یادداشت ۱).

۲- رنگ خاکی سیر

برای ۱۸ کیلو بار نیاز به ۱۵۰ گرم روناس، ۱/۵ کیلو پوست گردو و ۱/۵ کیلو زاج

می‌باشد. پاتیل این رنگ باید ۴۰ دقیقه جوش بخورد (این ترکیبات از ۵۰ سال پیش به این

سو رایج می‌باشند).

۳- رنگ کرم باز (روشن)

برای ۱۸ کیلو بار از نخ خارجی ۳ کیلو زاج سپید استفاده می‌شود. این رنگ نیاز به ۱۵

تا ۲۰ دقیقه جوش دارد (سید محمد بنی طباء (سیدموسی) یادداشت ۳).

۴- رنگ کرم سیر

برای سیر شدن رنگ کرم از گیاه اسپرک که در خراسان بعمل می‌آید استفاده

می‌شود. برای این رنگ باید از ۲۵ گرم گیاه اسپرک^۱ استفاده کرد و نیاز به ۱ ساعت جوش

دارد. در یک پاتیل ۴ تا ۵ بقچه نخ ریخته می‌شود.

۵- رنگ آبی باز (روشن)

۱- گاهی اوقات در شرایط موجود نبودن اسپرک از کاه استفاده می‌کردند (سیدحسین بنی طباء (سیدهاشم) یادداشت ۱۲).

رنگری سنتی در روستای تاریخی جشوقان، سالمی قمصری | ۳۲۵

برای ۱۸ کیلو بار از ۲۰ گرم نیل آلمنی، ۷۵ گرم هیدر آلمانی و ۵۰ گرم سود همراه با آب ولرم رو به سرد استفاده می‌شود. این رنگ نیاز به ۱۰ تا ۱۵ دقیقه جوش دارد. برای این رنگ فقط با دست کار می‌شود (سید محمد بنی طباء (سیدموسی) یادداشت ۵).

۶- آبی زمینه یا سیر

برای ۱۸ کیلو بار از ۲۵ گرم نیل، ۷۵ گرم هیدر و ۵۰ گرم سود استفاده می‌شود. زمان جوش این رنگ ۱۵ تا ۲۰ دقیقه است (سید محمد بنی طباء (سیدموسی) یادداشت ۶).

۷- رنگ سرمه‌ای نیل

برای ۱۸ کیلو بار از ۴۰۰ گرم نیل، ۴۰۰ گرم هیدر و ۱۰۰ گرم سود استفاده می‌شود. برای این رنگ از آب ولرم رو به گرم استفاده می‌شود این رنگ در قدیم ۴ دفعه شسته می‌شد اما امروزه ۳ دفعه شسته می‌شود. هر دفعه ۲۵ تا ۳۰ دقیقه در آب است و بیرون می‌کشیم و بقیچه‌ها را برمی‌گردانیم تا لک نشود (سید محمد بنی طباء (سیدموسی) یادداشت ۸).

۸- رنگ قهوه‌ای

برای ۱۸ کیلو بار ۵ کیلو پوست گردو (بسته به رنگ سپید یا کبود مقدار گردو فرق می‌کند)، ۱ کیلو روناس و ۲۰۰ گرم جوهر مشک‌ی یا قهوه‌ای استفاده می‌شود. در گذشته که از جوهر استفاده نمی‌شد روزی ۲ پاتیل می‌شد رنگ کرد اما امروزه با استفاده از جوهر می‌شود تا ۱۰ پاتیل رنگ کرد.

از پوست گردو بیشتر برای شفافیت رنگ استفاده می‌شود. این رنگ نیاز به ۱/۵ ساعت جوش دارد (سید محمد بنی طباء (سیدموسی) یادداشت ۱۰).

۹- رنگ عنابی یا شرابی

برای ۱۸ کیلو بار ۴۰۰ گرم جوهر قرمز، ۱۵۰ گرم جوهر مشک‌ی، ۱/۵ کیلو روناس و ۲ تا ۲/۵ کیلو پوست گردو استفاده می‌شود.

زمانی که رنگ در آب ثابت شد اگر عنابی تر بخواهیم باید در پوست گردو جوش بزند تا قرمزتر شود. زمان جوش این رنگ ۱/۵ ساعت است (سید محمد بنی طباء (سیدموسی) یادداشت ۱۳).

۱۰- رنگ طلائی

برای ۱۸ کیلو بار ۷۵ گرم روناس، ۳۰۰ گرم اسپرک و ۲ کیلو زاج استفاده می‌شود. این رنگ نیاز به ۱ تا ۱/۵ ساعت جوش دارد.

۱۱- رنگ مسی

برای ۱۸ کیلو بار ۵۰۰ گرم روناس، ۲۰۰ گرم پوست گردو و برای نگهداشتن شفافیت ۱ قاشق جوهر قرمز استفاده می‌شود. در گذشته که جوهر قرمز نبود از روناس بیشتر استفاده می‌شد و ۴ کیلو روناس زده می‌شد.

۱۲- رنگ فیلی (طوسی)

برای ۱۸ کیلو به ۲۰۰ گرم زاج سیاه و ۵۰۰ گرم پوست انار شیرین خشک شده و آسیاب شده نرم نیاز داریم. این رنگ بسیار حساس است و در آب ولرم باید یکساعت قرار گیرد. با چوب و دست هم زده می‌شود.

البته پوست گردوی مورد استفاده در رنگرزی نیازی به پودر شدن ندارد و آسیاب درشت می‌شود تا مثل نخود و لوبیا شود (سید محمد بنی طباء (سید موسی) یادداشت ۱۵).

۱۳- رنگ نقره‌ای روشن

اگر به رنگ فیلی ۱ قاشق جوهر نقره‌ای یا طوسی اضافه شود، رنگ نقره‌ای روشن بدست می‌آید.

۱۴- رنگ لاکی معمولی

برای ۱۸ کیلو بار از ۸۰۰ گرم کرم شراب کش^۱ و ۳ کیلو روناس استفاده می‌شود. برای ثبات این رنگ از لیموترش امانی خشک شده که ساییده می‌شود، استفاده می‌شود. این رنگ باید دست کم ۴ ساعت جوش بزند و شب تا صبح هم در پاتیل بماند. صبح که از پاتیل بیرون آمد و آشغال‌هایش تکانده شد باید نصف روز در آب روان بماند (سیدحسین بنی طباء (سید موسی) یادداشت ۱۷). از پوست خشک شده ساییده شده لیموترش برای ثبات رنگ لاکی استفاده می‌شد (سیدحسین بنی طباء (سیدهاشم) یادداشت ۱۲).

۳- رنگی گیاهی است که بدلیل گرانی از آن کمتر استفاد می‌شود.

۱۵- رنگ لاکی جوهری

برای ۱۸ کیلو بار از ۱ کیلو جوهر آلمانی، ۱/۵ کیلو روناس و ۱ کیلو پوست گردو استفاده می‌شود. این رنگ ثابت است، چون روناس و پوست گردو دارد. این رنگ نیاز به ۲ ساعت جوش دارد.

ثبات رنگ

برای ثابت نگهداشتن رنگ از روناس و پوست گردو استفاده می‌شود. اگر از روناس و پوست گردو استفاده نشود، با هیدر می‌توان رنگ را پاک کرد. از هیدر در قالیشویی‌ها استفاده می‌شود. البته رنگ خوب بستگی بسیار به جنس نخ (خارجی - ایرانی) دارد (سیدحسین بنی طباء (سیدآیت اله) یادداشت ۳).

نتیجه‌گیری

در گذشته رنگری شغلی بود که در خانواده‌های خاصی نسل به نسل منتقل می‌شد و اسرار و فوت و فن‌های آن به دلیل حفظ مزیت‌ها در رقابت با دیگران فاش نمی‌شد. به طوری که هر رنگرز با به کار بردن شیوه‌های مخصوص خود، رنگ‌هایی با تنالیت‌های مشخص را تولید می‌کرد و مشابه آن در کارگاه‌های رنگری دیگر یافت نمی‌شد. از این رو تشخیص نوع رنگ یکی از راه‌های تشخیص بافت‌های مناطق مختلف است. در این روستا نیز پیشه رنگری بصورت پیشه‌ای خانوادگی بوده که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شده است.

رنگری در این روستا با رنگ‌های طبیعی و سنتی انجام می‌گیرد که دارای اختلاف اندکی با سایر مراکز قالی‌بافی که رنگری‌های سنتی دارند، می‌باشد و با وجود برخی رنگ‌های شیمیایی که به صورت کمکی مصرف می‌شود هنوز رنگ‌های طبیعی در منطقه غالب است. رنگری سنتی با استفاده از رنگزاهای طبیعی رنگ‌هایی فراهم می‌کند که ثبات بسیار خوبی در برابر نور، سایش و شستشو دارند و دارای ویژگی‌های متمایزی مانند: سازگاری با محیط زیست، نداشتن خطرات زیستی برای مصرف‌کنندگان،

اشتغال‌زایی، کمک به افزایش درآمد ناخالص ملی و ایجاد ارزش افزوده بالا در محصول نهایی می‌باشد.

اگر ایران بازار جهانی فرش را از دست نداده بود امروزه این روستا می‌توانست قطب رنگرزی سنتی منطقه باشد. اگر اوضاع به همین منوال پیش رود شاید تا ۲۰ سال آینده دیگر هیچ رنگرز و هیچ کارگاهی در جشوقان برپا نباشد؛ که این امر توجه بیشتر مسئولان امر را در تهیه مواد اولیه سنتی و ارزان در اختیار گذاردن سوخت و تضمین فروش الیاف رنگ شده را می‌طلبد. لازم به یادآوری است که تعداد کارگاه‌های رنگرزی سنتی این روستا در یک دوره ۳۰ ساله، حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است.

سپاسگزاری

باسپاس فراوان از استادکاران رنگرزی سنتی جشوقان: آقایان سید حسین بنی طباء (فرزند سید آیت اله) - سید محمد بنی طباء (فرزند سید موسی) - سید حسین بنی طباء (فرزند سید هاشم) که نویسنده را در انجام این تحقیق یاری رساندند. خداوند به همگی شان طول عمر باعزت عطا کند. همچنین از آقای سید آیت بنی طباء نیز بسیار سپاسگزارم که در مصاحبه‌ها همراه و یاریگر بنده بودند.

باتشکر از فرزندانم، محمدحسین که در تایپ بخش‌هایی از متن مقاله، یاریگر من بود.

استناد به این مقاله: سالمی قمصری، مرتضی. (۱۴۰۱). رنگرزی سنتی در روستای تاریخی جشوقان. دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۹(۱۸)، ۳۲۳-۲۹۵.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

منابع

منابع مکتوب

- ادواردز، سیسیل. (۱۳۶۸)، *قالی ایران*، ترجمه: مهین دخت صبا، تهران: فرهنگسرا.
 - فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۹)، *مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی: "نان شب"* مردم‌نگاران، *فصلنامه دانش بومی*، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱.
 - عباسی، اسفندیار. (۱۳۷۸)، *توسعه مردم‌شناسی، مردم‌شناسی توسعه* (نمایه پژوهش. شماره‌های ۱۲ و ۱۱، *ویژه‌نامه دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی*، معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 - سالمی قمصری، مرتضی. (۱۳۸۹)، *گوشه‌ای از انسان‌شناسی دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی "کار ابزارهای سنتی گلابگیری در قمصر"*، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*، ش ۴۸
 - کارآمد، محمدجواد. (۱۳۹۲)، *رنگرزی سنتی: مزیت‌های چندگانه، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ*، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان، سال دوازدهم، شماره ۳۲.
 - محمدحسن، زکی. (۱۳۲۰)، *صنایع ایران بعد از اسلام*، ترجمه: محمدعلی خلیلی، تهران: کتاب فروشی اقبال
 - ورزی، منصور. (۱۳۵۵)، *هنر و صنعت قالی در ایران (مشمول بر سیری در تاریخ رنگرزی و طرح و بافت قالی)*، تهران: انتشارات رز.
- <http://www.fatan.blogfa.com/category/3>

منابع شفاهی (مصاحبه‌ها)

- مصاحبه با سید حسین بنی طباء (سید آیت اله)، استادکار رنگرزی سنتی که در روستای جشوقان مشغول رنگرزی سنتی می‌باشد.
- مصاحبه با سید محمد بنی طباء (سید موسی)، استادکار رنگرزی سنتی که در روستای جشوقان مشغول رنگرزی سنتی می‌باشد.
- مصاحبه با سید حسین بنی طباء (سید هاشم)، از استادکاران رنگرزی سنتی که در حال حاضر به رنگرزی اشتغال ندارد.